

دو نکته نو یافته درباره استفاده خاقانی از احادیث

دکتر سلمان ساکت
دانشگاه فردوسی مشهد

۱. مقدمه

افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی از بزرگ‌ترین شاعران سده ششم هجری است^۱ که بویژه در قصیده‌سرایی جایگاهی ویژه در میان شاعران پارسی‌سرا دارد. او در شاعری طریقی خاص و شیوه‌ای بدیع و تازه به کار گرفته است که پیش از او چندان سابقه نداشته و پس از وی نیز بی‌رقیب و بی‌بدیل مانده است. این سبک تازه و «طریق غریب» حاصل چند شگرد ویژه است که او با استفاده از آنها شعر خود را ممتاز و متمایز ساخته است. یکی از این شگردها، بهره‌گیری از ترکیبات بدیع و تعبیرات ویژه‌ای است که اغلب ساخته و پرداخته ذهن وقاد و طبع جوشان اوست. در شعر خاقانی ترکیبات و واژه‌ها به صورتی نغز و سنجیده، «در شبکه‌ای در هم تنیده از روابط پیدا و پنهان لفظی و معنوی به یکدیگر پیوند خورده‌اند» (ترکی، ۱۳۸۸: ۴)، به گونه‌ای که با هربار خواندن و دقتی دوباره در آن، ظرایف و نکات تازه‌ای بر خواننده نمایان می‌شود. این «شبهه در هم تنیده» بیش از هر چیز مبتنی بر «ایهام و تناسب» است و از این منظر پیشگام و پیشرو حافظ در به‌کارگیری فراوان ایهام به شمار می‌رود (بنگرید به: سجادی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد اشعار خاقانی، استفاده فراوان او از اصطلاحات علوم و فنون مختلف، مانند ریاضیات، نجوم، طب و علوم غریبه است. او همچنین به‌وفور از واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با آداب و رسوم عامیانه، موسیقی، و

بازیهای مختلف چون نرد و شطرنج بهره برده و از همه آنها در ساختن ترکیبات تازه و تصویرهای بدیع استفاده کرده است.

یکی دیگر از زمینه‌های مهم در اشعار خاقانی، استفاده از قرآن و حدیث است که در این باره نیز بی‌تردید او یکی از سرآمدان شعر فارسی محسوب می‌شود. البته پیشینه بهره‌گیری شاعران پارسی‌گو از دو منبع سرشار قرآن و حدیث، به نخستین سده شکل‌گیری شعر فارسی باز می‌گردد و در اشعار تمام شاعران - کم یا بیش - استفاده از این دو منبع قدسی و معنوی به چشم می‌خورد، اما ترکیب‌سازیها و بهره‌گیریهای خاقانی از تعبیرات، مفاهیم و موضوعات قرآنی و حدیثی گاه اختصاصی و بدون سابقه و پیشینه است. گاهی نیز اشاره او به آیه یا حدیثی است که دیگر شاعران کمتر بدانها پرداخته‌اند و از این رو در پژوهشهای مرتبط با خاقانی و بهره‌گیری وی از قرآن و حدیث مغفول مانده است. در این جستار به دو نمونه از این موارد اشاره می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

درباره بهره‌گیری خاقانی از قرآن و حدیث چندین مقاله و تنها یک کتاب به رشته تحریر درآمده است. البته در کتابهای رایج «تأثیر قرآن و حدیث در شعر / ادبیات فارسی» معمولاً صفحاتی به خاقانی و استفاده او از قرآن و حدیث اختصاص یافته است، اما در اغلب آنها نویسنده تنها به ذکر آیات و احادیث مشهوری که خاقانی در سرودن اشعار خود بدانها نظر داشته، اکتفا کرده است (برای نمونه بنگرید به: حلبی، ۱۳۷۲: ۱۲۷-۱۳۸).

کارنامه مقاله‌نویسی درباره «خاقانی و قرآن و حدیث»، اگرچه در مقایسه با نگارش کتاب، پرشمارتر است، در قریب به اتفاق آنها نکته تازه‌ای وجود ندارد.^۲ جالب آنکه در بیشتر این مقالات به بهره‌گیری خاقانی از قرآن پرداخته و تنها در یک مقاله، در کنار بررسی بهره‌گیری خاقانی از قرآن، به چند حدیثی که وی از آنها استفاده کرده نیز اشاره شده است^۳ (بنگرید به: مالمیر، ۱۳۸۳: ۶۴۳-۶۶۴).

بنابراین تاکنون مقاله مستقلی درباره استفاده خاقانی از احادیث - چه قدسی و چه نبوی - به نگارش درنیامده است.

بجز ذکر نمونه‌هایی از اشارات خاقانی به آیات قرآن، دستاوردهای این مقالات را

می‌توان در دو مورد زیر خلاصه کرد:

الف) استفاده خاقانی از قرآن به دو صورت لفظی و معنایی و بیشتر به صورتهای تلمیح، درج، حل و ترجمه بوده، هرچند از تضمین هم بهره برده است. همچنین استفاده او از قرآن و حدیث بیشتر برای خلق مضمون و یا تأیید و تأکید مطلبی بوده است (سرمدی، ۱۳۸۴: ۴۹-۸۱). تلمیحات قرآنی و حدیثی خاقانی آنچنان زیاد است که برخی اصالت سبک خاقانی را در استفاده از آیات و احادیث، تلمیح دانسته‌اند (بنگرید به: موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹-۳۲).

ب) خاقانی در بهره‌گیری از آیات کمتر به تفسیر و تأویل روی آورده است و اگر هم تأویلاتی دارد، از نوع «جری و تطبیق» است و از آنها تنها برای اغراق شاعرانه استفاده کرده است (اطمینانی، ۱۳۸۴: ۲۸-۳۷).^۴

در این میان مقاله «سندس خضر» در مقایسه با مقالات دیگر، بهتر و مفیدتر است و حرف تازه‌ای دارد. نویسنده در این مقاله، ریشه قرآنی ترکیب «سندس خضر» را که در بیت زیر از خاقانی به کار رفته، نشان داده است:

حاجت گفتار نیست، ز آنکه شناسد خرد سندس خضر از پلاس، عبقری از کوردین
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۳۶)

او همچنین به اشکال نحوی ترکیب «سندس خضر» که صفتی در حالت جمع (خضر جمع اخضر است) به موصوفی مفرد (سندس) اضافه شده است، پاسخ گفته و آن را شیوه سخنوران پارسی دانسته است که «در آوردن آیات و احادیث، به انطباق صرفی و نحوی و حتی معنای تحت‌اللفظی آن بخش از جمله که به وام می‌گرفتند، نمی‌اندیشیده‌اند و با در نظر داشتن مفهوم کلی آیه یا حدیث مورد نظر، کلمه و گاه جمله‌ای از آن را به‌عنوان یک اسم، قید یا صفت در سخن خویش به کار می‌گرفته‌اند» (فیروزیان، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۹).^۵

تنها کتابی که در این باره به طبع رسیده، از آن دکتر عباس ماهیار است که یکی از بنام‌ترین و پرکارترین پژوهشگران در حوزه خاقانی‌شناسی به شمار می‌رود. این کتاب که گنجینه اسرار نام دارد،^۶ دفتر پنجم از مجموعه «شرح مشکلات خاقانی» است که با محوریت «وجود مقدس مصطفی [ص] و زندگی و شأن و شکوه و خصوصیات [آن] حضرت» به نگارش درآمده است (ماهیار، ۱۳۸۸ الف: ۱۶). نویسنده در هشت فصل

اشاره‌های خاقانی را به مباحث مختلف مرتبط با حضرت محمد(ص) دسته‌بندی و ذکر کرده است و در فصل نهم، «استفاده خاقانی از سایر احادیث نبوی» را که پیشتر بدانها پرداخته و ربطی به فصول هشتگانه قبلی نداشته، آورده است. بر روی هم این کتاب یگانه اثری است که به‌طور اختصاصی اشارات خاقانی را به احادیث نبوی جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است و از این منظر کاری مفید و درخور توجه به شمار می‌رود.

۳. دو نکته نو یافته

در میان شروح معاصر خاقانی و یا گزیده‌هایی که از قصاید او فراهم شده است، قصیده‌های اول و دوم جایگاه ویژه‌ای دارند، چرا که در زمره قصاید شاخص و ممتاز عرفانی خاقانی به شمار می‌روند و به‌خوبی دیدگاهها و دل‌بستگیهای عرفانی او را نشان می‌دهند. از این رو جدا از شروح کامل دیوان خاقانی، در اغلب گزیده‌ها نیز به یکی از این دو قصیده و گاه به هر دوی آنها پرداخته شده است. بر اساس تحقیقی که درباره شروح قصاید خاقانی انجام گرفته است، قصیده اول، چهارده و قصیده دوم، یازده شرح مختلف دارند (بنگرید به: مهدوی‌فر، ۱۳۹۲: ۶). نگارنده اگرچه به همه این شروح دسترسی نداشته، اما مهم‌ترین و مشهورترین آنها را از نظر گذرانیده و در این میان به دو نکته تازه درباره استفاده خاقانی از احادیث دست یافته است. این دو نکته مبتنی است بر اشاره خاقانی به دو حدیث قدسی در دو بیت از قصاید اول (بیت ۱۰) و دوم (بیت ۳۱) که بیشتر در جایی به آنها اشاره نشده است.

۳-۱. قصیده اول، بیت ۱۰

بر در فقر آی تا پیش آیدت سرهنگ عشق گوید ای صاحب خراج هر دو گیتی مرحبا
اغلب شارحان درباره این بیت تنها به ذکر معانی واژه‌ها و توضیح اصطلاحات بسنده کرده‌اند و از بیان مفهوم کلی بیت فراتر نرفته‌اند. در این میان توضیح دکتر معدن‌کن گسترده‌تر است:

منظور از فقر در این بیت و نظایر آن فقر محمدی است که مفهوم آن نیازمندی به حق و بی‌نیازی از ماسوی الله است و ناظر است بر حدیث مشهور «الفقرُ فخری و به افتخُر». فقر محمدی در مقابل فقر عیسوی است و ترک دل‌بستگی به دنیاست نه ترک دنیا (معدن‌کن، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

به تبعیت از دکتر معدن‌کن، یکی دو شارح دیگر هم بیت فوق را ناظر به حدیث «الفقر فخری و به افتخر» دانسته‌اند (برای نمونه بنگرید به: اشرف‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵). آشکار است که بیت مورد نظر هیچ ارتباطی به حدیث بالا ندارد و از این روست که اغلب شارحان در توضیحات خود اشاره‌ای به حدیث نکرده‌اند، حال آنکه به احتمال زیاد خاقانی در سرودن این بیت به حدیثی قدسی نظر داشته که صورت کامل آن را در باب «فقر» از کتاب شرح‌التعرف می‌خوانیم: «در خبر آمده است که خدای تعالی وحی کرد به داود که: یا داود اذا رأیت الفقرَ مقبلاً فقل مرحباً بالصالحین و اذا رأیت الغنیَّ مقبلاً فقل ذنب عجلت عقوبته»^۷ (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۱۲۵۱/۳؛ نیز بنگرید به: خلاصه شرح‌تعارف، ۲۸۶).

۳-۲. قصیده دوم، بیت ۳۱

با سایه رکاب محمد عنان در آر تا طرّقوا زنان تو گردند اصفیا
بیشترین توضیح شارحان معطوف به فعل «طرّقوا» و ترکیب «طرّقوا زن» است که منصبی درباری بوده و به کسانی اطلاق می‌شده که پیشاپیش پادشاهان حرکت می‌کرده‌اند و احتمالاً با چوبی در دست و گفتن «دورباش» یا «راه دهید و یکسو شوید»، مسیر حرکت را می‌گشوده‌اند^۸ (برای نمونه بنگرید به: سجادی، ۱۳۸۱: ۲۵۱؛ معدن‌کن، همان: ۱۵۸؛ کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۰ و ماهیار، ۱۳۸۸ ب: ۸۶). درباره این بیت، هیچ یک از شارحان به حدیث یا روایتی اشاره نکرده‌اند، حال آنکه یادآور عبارتی است در روضة‌المدینین:

فردا که کوس قیامت فروکوبند، و کاروانهای ازل بارها از منزلهای دنیا برگیرند، و روی به منزل ابد نهند، و به بیاع‌گاه قیامت سر بارها بازکنند، و تعبیه‌های ازلی از میان بار بی‌قیمت بیرون گیرند ... و گنجهای پادشاهان از این خزینه‌ها به صحرای قیامت آرند، و بر هر گوهری و درّ یتیمی بهای ازل و ابد برنشته و جواز ابد فراستده، و بر مرکب دولت نشسته و بردابرد شاهنشاهی ملائکه ملکوت در بالا افکنده که: طرّقوا لعبد مؤمن عارفی الی دار الخلود (احمد جام، ۱۳۷۲: ۱۸۶).

عطار نیز در اسرارنامه در وصف معراج پیامبر(ص) به «طرّقوا گویی» فرشتگان اشاره

کرده است:

بِراق برق‌رو زین خطه خاک براند و خطبه خواند اول بر افلاک ...

جهانی انبیای کار دیده ز نورش خویش را نابود دیدند
 ز حضرت نور دین بسیار دیده چه می‌گویم کز آتش دود دیدند
 ز صحن خاک در یک طرفه العین برآمد تا فضای «قاب قوسین»
 قدم بر ذروه خلد برین زد علم بر عرش رب العالمین زد
 شده پیروزه گردون خروشان ز بانگ «طرّوقو»ی سبزویشان
 به آخر هم چنان می‌شد علوجوی ملایک صد هزاران «طرّوقو» گوی
 (عطار، ۱۳۸۸: ۹۸)

در کتب مختلف در توصیف معراج آورده‌اند که «هنگام عبور سرور کائنات از آسمانها ملایک راهنما بانگ برمی‌داشتند که: راه دهید! زیرا که از هجوم فرشتگان برای دیدن این مهمان نورسیده خدای تعالی راه بسته می‌شد» (عطار، ۱۳۳۸ تعلیقات): (۲۴۰).

۴. نتیجه‌گیری

این جستار کوتاه نشان می‌دهد که بررسی تأثیر قرآن و حدیث در اشعار خاقانی - علی‌رغم مقالاتی که نوشته شده است - جای پژوهش بیشتری دارد و احتمالاً با جستجوهای دقیق‌تر، چه بسا سرچشمه‌های دیگری از میان انبوه احادیث و روایات برای سروده‌های او پیدا شود. یافتن این سرچشمه‌ها، جدا از آنکه در فهم بهتر اشعار خاقانی مؤثر است، می‌تواند ما را با کتابها و مأخذی که به احتمال مورد توجه و منبع الهام او بوده آشنا کند. برای نمونه از آنجا که حدیث قدسی «إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مَقْبَلًا فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ» در هیچ کتاب عرفانی فارسی بجز شرح‌الشعر نیامده است، شاید بتوان نتیجه گرفت که خاقانی این کتاب را پیش روی داشته و در سرودن قصاید عرفانی خود از آن بهره گرفته است. همچنین عبارت «طرّوقوا لعبد مؤمن عارف إلی دار الخلود» نیز - در میان کتب عرفانی فارسی - تنها در روضة‌المذنبین آمده است که خود می‌تواند دلیلی برای استفاده خاقانی از آثار شیخ احمد جام باشد.

آنچه این گمان را تقویت می‌کند، علاقه و دلبستگی شدید خاقانی به خراسان و بزرگان این سرزمین است، تا آنجا که در چند قصیده خود از آرزوی سفر به خراسان و دیدار آن خاک زرخیز سخن گفته و چون به آرزوی خود دست نیافته، بانگ شکایت از روزگار سر داده است.

یادداشتها

۱. مرحوم سیّد ضیاءالدین سجادی بر اساس قرآینی از شعر خاقانی تاریخ دقیق تولد او را ۵۲۰ ق می‌داند (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۱)، اما زنده‌یاد استاد فروزانفر می‌گوید خاقانی در حدود سال ۵۲۰ ق به دنیا آمده است (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۶۳۵). درگذشت خاقانی «بنا بر اصح اقوال در ۵۹۵ ق» اتفاق افتاده است (خاقانی، ۱۳۷۳ (مقدمه): پنجاه و یک)، ولی در جنگ خطی لالا اسماعیل (نوشته در ۷۵۰ ق) مرگ او اول شوال ۵۹۱ ق ثبت شده است (به نقل از شفیع‌کدکنی در عطار، ۱۳۸۳: ۷۲).
۲. فهرست مهم‌ترین این مقالات - به ترتیب سال انتشار - عبارت است از:
 - «بازتاب هنری اندیشه دینی در هفت چکامه نخست دیوان خاقانی»، محمدحسین کرمی، اندیشه دینی، دوره دوم، ش ۳ (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۸۰، صص ۹۷-۱۲۰.
 - «تأثیر بلاغی و مضمونی قرآن در شعر خاقانی»، جلیل تجلیل، سبک آذربایجانی و سیر تاریخی آن در شعر فارسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ارومیه: دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۳، صص ۱۷۰-۱۷۴.
 - «تأثیر قرآن و حدیث در شعر خاقانی شروانی»، آسیه فقیه پرشکوهی، سبک آذربایجانی و سیر تاریخی آن در شعر فارسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، صص ۵۵۰-۵۷۵.
 - «حدیث و قرآن در آئینه حکیم شروان»، محمدابراهیم مالمیر، سبک آذربایجانی و سیر تاریخی آن در شعر فارسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، صص ۶۴۳-۶۶۴.
 - «جری و تطبیق آیات در دیوان خاقانی»، عباس اطمینانی، مجموعه مقالات برگزیده همایش خاقانی‌شناسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ارومیه: جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۴، صص ۲۸-۳۷.
 - «زیورهای قرآنی در دیوان خاقانی»، محمدعلی جانی‌پور، مجموعه مقالات برگزیده همایش خاقانی‌شناسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ارومیه: جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۴، صص ۱۷۴-۱۹۵.
 - «تعبیرات قرآنی در دیوان خاقانی»، مجید سرمدی، پیک نور، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۴، صص ۴۹-۸۱.
 - «سندس خضر، نکته‌ای قرآنی در بیتی از خاقانی»، مهدی فیروزیان، معارف، ش ۶۸، مرداد و آبان ۱۳۸۸، صص ۸۷-۹۴.
 - «نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی»، سیده زهرا موسوی و محسن ذوالفقاری، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ۱، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۹-۳۲.

۳. برخی از این احادیث عبارتند از: شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنٌ فِيهِ وَلَا خَصَبٌ؛ نَعْمَ الْفَتَى غَضِيفٌ؛ الْخَمْرُ جَمَاعُ الْاِثْمِ؛ عَلَيْكُمْ بِسَوَادِ الْأَعْظَمِ؛ الْكَبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَزْزُ إِزَارِي ... و غیره. گفتنی است نویسنده به شماری از احادیث علوی نیز که خاقانی در سرودن اشعار خود بدانها نظر داشته، اشاره کرده است.

۴. «جری و تطبیق» از گونه‌های تفسیر و تأویل است که به انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آنها نازل شده است، گفته می‌شود (اطمینانی، همان: ۲۹-۳۰).

۵. نویسنده در ادامه مقاله به دو نمونه از اشعار خاقانی که این شیوه در آنها به کار رفته، اشاره کرده است. بنگرید به: فیروزیان، همان: ۸۹-۹۰.

۶. به گفته نویسنده برگرفته از سخن شمس است در مقالات که می‌گوید: «اسرار در احادیث بیشتر است» (ماهیار، ۱۳۸۸ الف: ۱۶).

۷. معنی عبارت چنین است: آنگاه که بینی فقر فرا می‌رسد، بگو شعار صالحان خوش آمد و آنگاه که بینی توانگری پیش می‌آید، بگو گناهی بوده که عقوبتش فرا رسیده است.

۸. طَرُقُوا معادل بردا برد و ترکیب «طَرُقُوا زن» همان «بردا بردگویی» است. واژه «بردا برد» از مصدر بردیدن و به معنای «کور باش دور باش» است (منصوری و حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۱) و در متون فراوان به کار رفته است. برای نمونه در تاریخ بیهقی می‌خوانیم: «امیر برین ترتیب به مسجد جامع آمد سخت آهسته چنان‌که به جز مقررعه و بردا برد مرتبه‌داران هیچ آواز دیگر شنوده نیامد» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۰).

شایان یادآوری که مصححان محترم تاریخ بیهقی «بردا برد» را در عبارت فوق «دبدبه» (= نقاره) معنا کرده‌اند (همان: ۱۰۶۷/۲) که البته چندان موجه به نظر نمی‌رسد. بنگرید به: آدینه کلات و ساکت، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴.

منابع و مأخذ

- آدینه کلات، فرامرز و سلمان ساکت، «نقد و بررسی تصحیح جدید تاریخ بیهقی»، جستارهای ادبی، سال ۴۴، ش ۱۷۲، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴۹-۱۷۷.
- احمد جام، ابوالنصر، روضة المذنبین و جنة المشتاقین، تصحیح علی فاضل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- اشرف زاده، رضا، گزیده اشعار خاقانی شروانی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- اطمینانی، عباس، «جری و تطبیق آیات در دیوان خاقانی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش خاقانی‌شناسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ارومیه: جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۴.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
- ترکی، محمدرضا، «خاقانی شروانی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۳، صص ۲-۵.
- حلبی، علی اصغر، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- خاقانی شروانی، دیوان، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- خلاصه شرح تعرف، به تصحیح احمدعلی رجایی بخارایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- سجادی، ضیاءالدین، شاعر صبح (پژوهشی در شعر خاقانی شروانی)، تهران: سخن، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
- سرمدی، مجید، «تعبیرات قرآنی در دیوان خاقانی»، بیک نور، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۴، صص ۴۹-۸۱.
- عطار، فریدالدین، اسرارنامه، تصحیح و تعلیقات از سید صادق گوهرین، تهران: صفی علیشاه، ۱۳۳۸.
- _____، اسرارنامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.

- _____، منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۳.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، تهران: خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
- فیروزیان، مهدی، «سندس خضر، نکته‌ای قرآنی در بیتی از خاقانی»، معارف، ش ۶۸، مرداد و آبان ۱۳۸۸، صص ۸۷-۹۴.
- کزازی، میرجلال‌الدین، سراچه آوا و رنگ، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- _____، گزارش دشواریهای دیوان خاقانی، تهران: مرکز، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
- مالمیر، محمدابراهیم، «حدیث و قرآن در آئینه حکیم شروان»، سبک آذربایجانی و سیر تاریخی آن در شعر فارسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ارومیه: دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۲.
- ماهیار، عباس، گنجینه اسرار (شرح مشکلات خاقانی، دفتر پنجم)، کرج: جام گل، چاپ دوم، ۱۳۸۸ (الف).
- _____، مالک ملک سخن (شرح قصاید خاقانی)، تهران: سخن، ۱۳۸۸ (ب).
- مستملی بخاری، ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد، شرح‌التعرف لمذهب‌التصوف، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- معدن‌کن، معصومه، بزم دیرینه‌عروس (شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
- منصوری، یدالله و حسن‌زاده، جمیله، بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی، زیر نظر بهمن سرکاراتی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷.
- موسوی، سیده زهرا و ذوالفقاری، محسن، «نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ۱، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۹-۳۲.
- مهدوی‌فر، سعید، «شروح قصاید خاقانی»، کتاب ماه ادبیات، سال ۱۶، ش ۱۸۶، فروردین‌ماه ۱۳۹۲، صص ۴-۲۰.